

معرفی و بررسی بخش تاریخ روایی ایران در تاریخ پژوهش دانشگاه کمبریج

• دکتر مصطفی ندیم

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز



پیشدادی، خاندان افراسیاب، دوره نخست کیانی، اعیان و محتشمان جنگاور در دوره کیانی، جنبه‌های دوره حماسی کیانی، دوره دوم کیانی و دوره سوم کیانی.

و عناوین اصلی قسمت «ج» عبارتند از: دوره‌های تاریخی در روایت ملی، اشکانیان و ساسانیان.

شیوه نگارش تاریخ ایران دانشگاه کمبریج

به صورت تاریخ ترکیبی بوده، برای تاریخ هر سلسله یا وضعیت فرهنگی، اقتصادی و... هر مقطع زمانی از محقق و مورخ متخصص همان دوره استفاده شده است. از آنجا که هدف اصلی این شیوه نگارش دوری جستن از اطناب می‌باشد، تلاش محققان بر آن بوده است که در کمترین حجم بیشتر مطالب اصلی را بیان دارند که این ویژگی هم برسختی کار محقق می‌افزاید و هم در پایان به ویرایشی قوی و یکدست نیاز دارد. نگارنده با مطالعه اکثر بخش‌های کتب ترجمه شده تاریخ ایران کمبریج و قسمت‌هایی از بخش‌های ترجمه نشده را مشاهده کرده.

در بررسی قسمت تاریخ روایی ایران، نوشته احسان یارشاطر، قبل از هر چیز ذکر این نکته لازم بود چرا که با توجه به این ویژگی عمده با شیوه کار نویسندگان بیشتر آشنا می‌شویم.

یارشاطر با بهره‌گیری از شیوه‌ای عالمانه پژوهش خود را آغاز کرده است، بدین صورت که قسمت نخست با ذکر منابع شروع می‌شود. در این قسمت یارشاطر به نقد و بررسی منابع اصلی به ویژه

جلد سوم تاریخ ایران پژوهش دانشگاه

کمبریج، جلد سوم قسمت اول: «از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان»، از مجموعه کتب تاریخ ایران کمبریج است این مجموعه در هفت جلد تألیف شده است.

قسمت نخست جلد سوم (کتاب حاضر)

از یک پیش‌گفتار و چهار قسمت تشکیل شده که این چهار قسمت در بردارنده هفده بخش

است. در این مقاله به معرفی و بررسی قسمت سوم این کتاب با عنوان «تاریخ روایی ایران» می‌پردازیم. این قسمت در بردارنده بخش دهم «الف» و «ب» کتاب است. در بخش دهم «الف»، نویسنده باورهای عامیانه و جهان‌نگری ایرانیان را با طرح میباحثی چون ایزدان ایرانی، ایزدان دروغین، دیوها و جهان‌آفرینش آن بیان داشته است. در بخش «ب»، تاریخ ملی ایران مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. این بخش به سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود.

عناوین اصلی قسمت «الف» عبارتند از: منابع، سیماها و ویژگی‌های تاریخ ملی، نگرش تاریخی ایرانیان، گزیده کوتاهی از تاریخ ملی، سال‌شمار تاریخ ملی، اساطیر و افسانه‌های غرب و جنوب ایران، اشکال مکتوب تاریخ ملی، ویژگی و جنبه‌های تاریخ ملی و تاریخ ملی به مثابه آیینة اوضاع دوره ساسانی.

عناوین اصلی قسمت «ب» عبارتند از: اساطیر و افسانه‌ها در تاریخ ملی، خاستگاه و تکامل آنها، گیومرد و پیدایی انسان، دودمان

بعضی به اشتباه به تقسیم‌بندی موضوعات شاهنامه پرداخته، آن‌ها را به سه دوره اساطیری، حماسی و تاریخی تقسیم می‌کنند. این گونه تقسیم‌بندی ناشی از عدم شناخت کافی از ویژگی‌های آثار حماسی است

پس از توجه به بزرگان جنگاور دربار کیانیان از جمله خاندان رستم، گودرز و نوذر و بررسی جنبه‌های دوره حماسی کیانی به بررسی دوره دوم کیانی می‌پردازد. این دوره با پادشاهی لهراسب آغاز شده، با مرگ اسفندیار به پایان می‌رسد. دوره سوم کیانی قسمت بعدی است که اعمال شخصیت‌هایی چون بهمن، همای و دارا مورد توجه قرار می‌گیرند و سرانجام دوره‌های تاریخی در روایات ملی یعنی اشکانیان و ساسانیان، آخرین قسمت‌های نوشته‌های یارشاطر را در برمی‌گیرند. در اینجا به اهم ویژگی‌ها و موضوعات تحقیق آقای یارشاطر اشاره می‌کنیم.

• چنانکه گفتیم بیش از هر چیز، هنر نویسنده در این است که با ذکر مأخذ و نظرات مختلف مطالب و مباحث اصلی را در نهایت اجمال بیان داشته است. اگر چه در هر صفحه منابع متعددی را معرفی می‌کند، اما هرگز تحقیق وی جنبه تالیف به خود نگرفته، بلکه پس از بررسی نظرات، نظر نهایی را بیان می‌دارد. اگر چه ممکن است در مواردی نظر ایشان نیز خالی از اشکال نباشد.

• هر چند که تاکنون در مورد تاریخ روایی ایران مقالات و کتب متعددی به ویژه از سوی محققان غیر ایرانی به رشته تحریر درآمده است، اما طرح موضوع، شیوه تحقیق و مباحثی که یارشاطر مطرح می‌کند به تحقیق او جلوه خاصی بخشیده است. قسمت‌های سیمای تاریخ ملی، نگرش تاریخی ایرانیان، تاریخ ملی همچون آئینه، اوضاع دوره ساسانی و ویژگی و جنبه‌های تاریخ ملی از جمله مباحثی هستند که نویسنده با دقتی درخور توجه از جنبه‌های مختلف آنها را مورد بررسی قرار داده است.

• قلم نویسنده در طول نوشتار یکدست و هماهنگ بوده برای خواننده مشکلی ایجاد نمی‌کند، گرچه کثرت مطالب به گونه‌ای است که برای خواننده نا آشنا با این مباحث خسته‌کننده است.

• نویسنده در بررسی شخصیت‌های اساطیری و حماسی روایات ملی ایران، در عین بیان تمامی نظرات به جمع‌بندی‌های یکدست و واضحی رسیده است.

• تحقیق در مورد تاریخ روایی ایران از آنجا که به اساطیر و حماسه‌ها مربوط می‌شود، گاه‌گاه با سطحی‌نگری در مورد بعضی شخصیت‌های اسطوره‌ای و مقایسه‌های غیر منطقی و غیر علمی با بعضی ادوار تاریخی همراه است. شیوه تحقیق عالمانه یارشاطر به گونه‌ای است که ایشان را از تعصبات احساسی یا یکسونگری باز داشته است. گرچه از بی‌توجهی ایشان نسبت به تأثیر فرهنگ بین‌النهرین و ایلام بر فرهنگ آریایی نمی‌توان به سادگی گذشت.

تاریخ عمومی و متون پهلوی پرداخته، اهمیت آنها را در موضوع مورد بررسی بیان می‌دارد. منابع مورد استفاده محقق عبارتند از: متون و کتیبه‌های فارسی باستان (متون اوستایی، کتیبه‌های هخامنشی)، متون و کتیبه‌های فارسی میانه (متون پهلوی، کتیبه‌های پهلوی و متون مانوی)، متون هندی (ریگ ودا، مهابهاراتا)، آثار مورخان مسلمان یا تاریخ عمومی (مروج الذهب، البدأ و التاریخ، تاریخ طبری، ...)، حماسه‌های ملی ایران (شاهنامه فردوسی، داراب نامه طرسوسی و...) و بالاخره نوشته‌ها و نظریات محققان ایرانی و غیر ایرانی سده اخیر (مهرداد بهار، نولدکه، کریستن سن، هنینگ، مارکوارت و...) که نویسنده در طول تحقیق با ارجاعات دقیق خود به این منابع از آنها بهره برده است.

در قسمت سیمای تاریخ ملی، محقق پس از تقسیم‌بندی تاریخ ملی ایران بر اساس منابع به چهار دوره پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان، سیمای شخصیت‌های تاریخ ملی را با نگرش عمیق و جالب تقسیم‌بندی کرده است.^۲ در قسمت نگرش تاریخی ایرانیان، فلسفه تاریخ ایران باستان با تکیه بر باورهای زرتشتی مورد بررسی قرار گرفته است. سپس در قسمت خلاصه کوتاهی از تاریخ ملی، محقق تاریخ ملی را به عنوان مدخلی برای ورود به بحث اصلی به صورت خلاصه بیان داشته است. غیر از مباحثی چون سالشمار تاریخ ملی و اساطیر و افسانه‌های مغرب و جنوب ایران، در قسمت ویژگی و جنبه‌های تاریخ ملی، محقق با توجهی ژرف از چهار ویژگی اصلی تاریخ روایی سخن می‌گوید: ۱- جنبه دینی ۲- جنبه اجتماعی- سیاسی ۳- جنبه تعلیمی ۴- جنبه بازآفرینی.^۳ در بررسی این مباحث، محقق با بیان نوشته‌های مورخین مسلمان (طبری، مسعودی و...) و استفاده از نظرات مورخین معاصر، استنباطات و استنتاجات خود را بیان داشته است.

در قسمت دوم این بخش (ب)، اساطیر و افسانه‌ها در تاریخ ملی و خاستگاه و تحول آنها مورد بررسی قرار گرفته است. محقق پس از بیان نگرش کلی نسبت به اساطیر ایران، بحث را از گیومرد و پیدایی انسان آغاز کرده، سپس دودمان پیشدادی را با ذکر اسامی شاهان، ویژگی‌های آنها و نظرات مختلف ادامه داده تا به دوره کیانی می‌رسد. در این قسمت یارشاطر پس از بحثی کلی درباره کیانیان ابتدا محیط جغرافیایی این سلسله را با استفاده از متون کهن و نظرات محققان بیان داشته، سپس با بررسی دودمان افراسیاب به تحلیل دوره نخست کیانی می‌پردازد. در این قسمت پادشاهان کیانی از کی‌کواد تا کی‌خسرو معرفی شده، مورد بررسی قرار می‌گیرد. محقق

می‌توان از شاهنامه فردوسی به مطالب تاریخی و استنباطات و استنتاجات تاریخی دست یافت اما شاهنامه فردوسی یک اثر تاریخی محض نیست و از این منظر نباید به آن نگر است

۲- در قسمت «خلاصه کوتاهی از تاریخ ملی» در مورد جمشید آمده است:

«در پی هوشنگ، جمشید به پادشاهی رسید که به گفته فردوسی، پسر هوشنگ و به روایت منابع دیگر پسر ویونگهان و نو هوشنگ بود»^۱ و می‌دانیم که پس از هوشنگ، تهمورث به پادشاهی رسید و از آن جا که در جمله بعد بلافاصله نام تهمورث را آورده است، احتمالاً این اشتباه از سوی مترجم یا مسئولان چاپ صورت گرفته است.

۳- در قسمت «سالشمار تاریخ ملی»، نویسنده سه هزاره سوم و چهارم اسطوره‌آفرینش در اساطیر ایرانی را «حالت آمیخته» نامیده است. در حالی که تنها سه هزاره سوم حالت آمیخته یا «گومیزش» است و سه هزاره چهارم «ویچارشن» یا «دوره تصفیه» نامیده می‌شود که منجیان یعنی هوشیدر، هوشیدر ماه و سوشیانس در این دوره ظهور می‌کنند.

۴- در این تحقیق آنجا که صحبت از تأثیر متقابل اساطیر شرق با جنوب و غرب ایران می‌شود و به ویژه در بررسی اساطیر مغرب و جنوب ایران، نویسنده به مسأله مهم تأثیر فرهنگ بین‌النهرین و ایلام باستان بر فرهنگ آریایی‌های غرب و جنوب توجه نمی‌کند و اگرچه در بیان ویژگی‌های شخصیت‌ها به بعضی از شباهت‌ها بین شخصیت‌های بابلی با ایرانی اشاره می‌کند، اما بسیار سریع و بی‌توجه به وجود ارتباطات فرهنگی از آن مطلب می‌گذرد. واقع آن که جاداشت نویسنده در قسمت «بررسی اساطیر مغرب و جنوب ایران» به این مطلب مهم می‌پرداخت و برای نگارنده، با توجه به تحقیق به سزای نویسنده و استفاده از این همه منابع، این کوتاهی تعجب‌آور است.

در پایان خواندن این قسمت «تاریخ‌روایی ایران» از تاریخ ایران پژوهش کمبریج به دستداران فرهنگ ایران توصیه می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱- تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (جلد سوم - قسمت اول) پژوهش دانشگاه کمبریج، نویسندگان: احسان یارشاطر - بیکرمان و دیگران، گردآورنده: جی.آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، چاپ اول، امیرکبیر، تهران: ۱۳۶۸.

۲- همان، صص ۹-۴۷۸.

۳- همان، صص ۱۲-۵۰۴.

۴- همان، صص ۴۷۳.

۵- همان کتاب صص ۴۸۳.

در مورد ترجمه متن باید گفت که مترجم محترم که سال‌هاست به ترجمه آثار بزرگی در مورد تاریخ ایران می‌پردازد، به خوبی از عهده ترجمه این متن برآمده است. اما ظرافت و در عین حال پیچیدگی بعضی از مباحث موجب شده تا ترجمه بعضی جملات یکدست نبوده فهم آن مشکل گردد. به هر حال تلاش مترجم محترم قابل تمجید است.

اگرچه نویسنده در مجموع تحقیق خوب و قابل قبولی را ارائه داده است، با این حال از دید نگارنده اشکالاتی در آن مشاهده می‌شود که به بیان بعضی از آنها می‌پردازیم.

۱- در قسمت منابع، یارشاطر در مورد فردوسی می‌گوید:

«اما فردوسی در مقام تاریخ‌نگار دقت نسبی طبری را ندارد. وی غالباً صحنه‌های رویدادها را به هم درمی‌آمیزد و به ویژه در باره نام‌ها و شماره‌ها سهل‌انگار است. چون شاعر بود بیشتر به معیارها و معانی ادبی علاقه می‌ورزید نه درستی مطالبی که می‌سرود»^۲

در این مورد باید گفت که اصولاً هدف فردوسی تاریخی‌نگاری نبوده، در نتیجه مقایسه وی با مورخانی چون طبری اشتباه است. شاهنامه فردوسی یک اثر حماسی است و دارای ویژگی‌های حماسی و مطالب تاریخی در این گونه آثار نیز با روح و ویژگی‌های حماسی همراه است.

بعضی به اشتباه به تقسیم‌بندی موضوعات شاهنامه پرداخته، آنها را به سه دوره اساطیری، حماسی و تاریخی تقسیم می‌کنند. این گونه تقسیم‌بندی ناشی از عدم شناخت کافی از ویژگی‌های آثار حماسی است. می‌توان از شاهنامه فردوسی به مطالب تاریخی و استنباطات و استنتاجات تاریخی دست یافت، اما شاهنامه فردوسی یک اثر تاریخی محض نیست و از این منظر نباید به آن نگر است.

از نبرد رستم و اسفندیار می‌توان استنباط تاریخی کرد اما این نبرد هرگز تاریخی نیست، چراکه این دو شخصیت به دو دوره زمانی کاملاً متفاوت تعلق دارند و درک جمع شدن آنها در یک زمان با شناخت ویژگی‌های حماسه امکان‌پذیر است.

دیگر این که فردوسی در عین توجه به معانی ادبی که شرح آن مستغنی از بیان است در ارائه موضوعات، رعایت امانداری را به حد کمال رسانده است. فردوسی با استفاده از منابع کتبی و شفاهی، هرچه از روایات ملی را جمع‌آوری کرده به صورت منظوم تدوین کرده است. وجود نقیضی در بیان بعضی از شخصیت‌ها از جمله اسکندر که دو شخصیت متفاوت را بیان می‌دارد، ناشی از منابع مختلف و گاه متضاد است و این رعایت امانداری است. پس نمی‌توان درستی مطالب وی را بدین صورت مورد سوال قرار داد.